



جامعه اسلامی پس از پیامبر(ص)

سیر بررسی‌ها هدف جانشینی پیامبر را به مناقشه‌های نامربوطی کشانده تا آنجا که موقعیت رفیع امامت که به تصریح منابع شیعی امری الهیست به یک گفتمان رقابتی دنیایی بدل گردید.

سیر بررسی‌ها هدف جانشینی پیامبر را به مناقشه‌های نامربوطی کشانده تا آنجا که موقعیت رفیع امامت که به تصریح منابع شیعی امری الهیست به یک گفتمان رقابتی دنیایی بدل گردید.

حسین روحانی صدر، کارشناس ارشد تاریخ ایران، یادداشتی با عنوان «جامعه اسلامی پس از پیامبر(ص)» برای ایکنای ارسال کرده است که متن آن را می‌خوانید؛

تاریخ انبیاء یکی از موضوعات به بحث گذاشته شده در آیات و سوره قرآنی است اگر چه قرآن کتاب داستان و یا قصه گو و رمان پرداز نیست ولی برای توجیه هدایت بشر گزیده‌های گزینشی از برخی وقایع تاریخی را به خصوص انبیاء پیشین را طرح می‌نماید. یکی از نکات جذاب و شاید منحصر به فرد این نوع گویش به بحث گذاشتن زندگی شخصی خاتم پیامبران است، همان کسی که قرآن فقط بر او داده شد تا به فراخور شرایط زمانی و مکانی در طول ۲۳ سال به جامعه بشری تحویل دهد. یکی از آن موارد مدنظر قرآن همان شکایت مشهور پیامبر(ص) از امتش در خصوص بی‌توجهی به قرآن، همان امانتی که ذره ذره مشغول عرضه آن به جامعه ی پیرامونش گردید.

وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا.

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ.

خلاصه کلام آنکه این اختلاف پیامبر با امتش همواره وجود داشت ولی تاکنون بحث جامع و کاملی پیرامون آن از سوی اهل علم ارائه نشده و پس از گذشت بیش از ۱۵ سده مذاهب اسلامی بی توجه به اهداف منشور هدایت شان به جرح و تعدیل پیرامون اختلاف‌های فکری و عقیدتی با یکدیگر می‌پردازند. یکی از آن موارد موضوع اداره امور جامعه اسلامی پس از پیامبر بوده و هست.

سوال مهم آنکه آیا این بحث در مقابل آنچه بر سر پیامبر و اهدافش آمده قابل بحث است؟ و هدف طراحان این مواضع چیست؟

در چهار سده اخیر هجری این دعاوها شکل و شمایل منطقی به خود گرفته و بخش زیادی از فضای مناظره‌های عقیدتی فرقه‌ها را پر نموده و به تدریج به کتاب‌های درسی و آکادمیک راه یافته یکی از آخرین آنها کتاب «از سقیفه تا کربلا» تالیف استاد مهدی پیشوائی است که مورد بررسی این یادداشت می‌باشد. این کتاب شامل ۵۰۲ صفحه، ۳ فصل و ۳ بخش است.

جامعه اسلامی پس از پیامبر(ص)

بخش اول این جلد به حوادث و رویدادهای پس از وفات پیامبر(ص) اختصاص دارد به علت آنکه تحولات جامعه اسلامی با وفات پیامبر تغییرات جدی به خود دید تا آنجا که زمینه بازگشت به دوران پیش از پیامبر در ساختار مدیریتی این جامعه نمودار گردید. به همین دلیل نگارنده فصل اول این بخش را به شرح دیدگاه‌های مرتبط با نظریه خلافت و امامت در منابع تاریخی و اعتقادی مذاهب اسلامی اختصاص داده نکته قابل تامل آنکه این موضوع را مورخان از قرن سوم هجری به بعد پردازش نمودند و این پردازش‌ها محصول آشنائی شان با علوم انسانی به خصوص منابع ترجمه شده از دیگر زبان‌ها می‌باشد بنابراین زمینه توسعه جرح و تعدیل این فرآیند به نسل‌های بعد نیز کشانده شد به طوری که یکی از موضوع‌های جدی مورد علاقه شرق شناسان غربی در بررسی دین و دولت اعصار مختلف تمدن اسلامی قرار گرفت.

خلاصه کلام آنکه این سیر بررسی‌ها هدف جانشینی پیامبر(ص) را به مناقشه‌های نامربوطی کشانده تا آنجا که موقعیت رفیع امامت که به تصریح منابع شیعی امری الهیست به یک گفتمان رقابتی دنیایی بدل گردید.

واقعیت آنکه در بررسی جانشینی پیامبر(ص) به خصوص در چهار دهه ی نخستین، نمی‌توان بر مبنای یافته‌های دوره‌های بعد چنین بحثی را دنبال نمود. بنا به این پیشینه طرح موضوع خلافت و امامت و اختلاف نظرها در آن اگر مواضع توحیدی و ابلاغ رسالت پیامبر(ص) را مدنظر قرار داده نشود همان گفته‌های محققان بعدی جای خود را باز خواهد نمود. و انتخاب فرد از سوی جامعه در

تعریف خلافت و انتساب الهی در تعریف امامت موجب سردرگمی در شناخت برنامه توحیدی اسلام خواهد بود.

در ادامه این اصل بی آنکه توضیحی در خصوص موقعیت و جایگاه مکانی و زمانی سقیفه آورده شود به حوادث و رویدادهای انتخاب جانشین پیامبر(ص) با محوریت نسب قریشی به میان آمده، بدتر از همه شرح روایت راویان پیرامون عدم دسترسی پیامبر به کاغذ و قلم برای وصیت به جانشینی امام بعد از خود است. این موضوع نیز یکی از پردازش های پر حاشیه در میان مذاهب اسلامی است. بدتر از همه اینکه پیامبر پیش از وفات وصیت شفاف قرآنی: «قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ جَ مَنْ لَعَنَ اللَّهَ وَعَظِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ جَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ» بجا آورده است. بنابراین ایجاد چنین چالشی در تالیفات جدید خود جای تامل دارد چرا که به باور جمعی از نکته سنجان، این بحث خود یکی از زمینه های انحرافی جایگاه امامت می باشد. به قول معروف در خانه اگر کس است یک حرف بس است. چرا باید با داشتن چنان آیه محکمی به دنبال یک گفته غیر قابل استناد در اثبات چنین واقعیتی رفت و آیا طرح ناتوانی پیامبر(ص) در تنظیم وصیت جانشینی اش خود خدشه ای به پهنه عمیق وحی نمی باشد؟ در پاسخ به چنین نگارش هائی باید گفت؛ اگر هدف رسالت مشخص و معین بوده باشد پس پردازش چنین دیدگاه های بشری در آن جایگاهی ندارد.

در ادامه به نقد و بررسی روایت الائمه من قریش می پردازد. این موضوع خارج از توجیه های به عمل آمده از سوی پردازش گران مذاهب اسلامی، هیچ تاثیری در فرآیند محرومیت مردم از دستیابی به امام بعد از پیامبر(ص) ندارد، همان گونه که پیش از این، جامعه اسلام آورنده هیچ تمایلی به پیامبر و سیره او نداشت و تنها ابزار و مستمسکی برای تقویت پایگاه های قدرت سابق شان بود. در این تلقی مردان به جا مانده از عصر جاهلی بارها کوشیدند مهاجر را از انصار و آن دو گروه را از گروندگان بعدی متمایز کنند تا بتوانند با رواج چنین افکار غیر اسلامی آنچه که مدنظرشان است به ظهور رسانند و طرح آن در کتاب های درسی خود تامل برانگیز است.

پس با این وجود طرح سوال در خصوص صحت این حدیث و مواضع پیرامونی آن خارج از بحث های کلامی و تاریخ نگاری خواهد بود.

در فصل دوم زیر عنوان دوران خلفای سه گانه، به طرح دیدگاه های قابل بحث پیرامون نظر جانشین معذور شده پیامبر(ص) از سوی مردم پرداخته است.

همانگونه که گذشت جانشین بی قید و شرط پیامبر خارج از موازین الهی قابل تعریف نبوده و هر آنچه که در این چارچوب به میان آید بر مبنای خواسته های بشری و منطبق بر نیازهای زمانی و مکانی توجیه گردد فاقد اعتبار اعتقادی خواهد بود و در ادامه به موفقیت گردانندگان امور در دوره خلافت دو سال و نیم ابوبکر، ابو عبیده جراح، خالد بن ولید، یزید بن ابی سفیان (برادر معاویه) که عموم آنها سابقه و خواستگاه خمیر مایه ی دوران پیش از اسلام را دارا بودند و در خود داشتند، می پردازد. سپس به شرح حوادث و رویدادهای مهم دوران این خلیفه همچون اعزام سپاه اسامه، ارتداد قبایل، ظهور مدعیان نبوت، گروه مرتد و انگیزه های آنها، مدعیان دروغین نبوت و انگیزه آنها، مانعین زکات، سرکوبی مرتدان، جنگ با مدعیان دروغین نبوت، جنگ با مانعین زکات و مخالفان خلیفه، فتح شام و فتح عراق می پردازد که در عموم این حوادث و رویدادها موازین توحیدی الهی جای خود را به همان نظام جاهلی داده و در بسیاری موارد اجرای احکام الهی، گزینشی صورت گرفته پس از آن به انتصاب عمر با وصیت نوشته شده عثمان و امضای خلیفه اول به میان آمده اگرچه گوشه چشمی هم به تسریع مکرر هر دو آنها به جانشینی نیز صورت گرفته است. در هر حال به حوادث و رویدادهای این دوره همچون انتصاب ابوحریبه دوسی، زید بن ثابت انصاری، سعد بن ابی وقاص، سلمان فارسی، عبدالله بن ابی ربیع، عمرو بن عاص، قنذ بن جدعان المدوی، محمد بن مسلمه، معاویه بن ابی سفیان، مغیره بن شعبه نیز پرداخته شده است و از فعالیت های خلیفه دوم تاسیس دیوان حقوق، تبعیض در اعطای مقرری، عوارض زیان بار تبعیض در اعطای مقرری، رسمیت بخشیدن به تاریخ هجری، اجتهادهای بی دلیل، تحریم متعه حج و متعه نساء، سه طلاق در یک مجلس، حذف یکی از بندهای اذان، گزاردن نماز تراویح به جماعت نام برده شده است.

در ادامه شرح اوضاع آن دوران، به شیوه نقل داستان ها و روایات به جا مانده از پیامبر از سوی نقالان مطلبی آمده اگرچه نقل روایت و حدیث و راههای ترویج آن همیشه در میان محدثان و مورخان مناقشه برانگیز است اما موضوع قصه گوئی که در صفحه ۱۱۷ این اثر به آن پرداخته شده نیاز به توضیح بیشتری داشت.

سپس درباره اهمیت فتوحات مسلمین طوری سخن به میان آمده گویی این امر مورد تایید رسول خدا بوده باشد در حالی که این نظریه اهل شمشیر و منبعث از همان خواستگاه های ذهنی عصر جاهلیت است و برای توجیه دستاوردهای مسلمین به دلایل بی کفایتی، ناکارآمدی، خودکامگی و فساد حکمرانان ساسانی همزمان با حمله مسلمانان سخن به میان آمده و به تحلیل منابع معترض به این امر در سده چهاردهم خورشیدی پرداخته و به نقل کارهائی از گفتمان های مطروحه در دو اثر خدمات متقابل اسلام و ایران شهید مطهری و کارنامه اسلام دکتر عبدالحسین زرین کوب اکتفا شده است.

موضوع دیگری که نیاز به شرح و توضیح داشت مربوط به واقعه کتاب سوزی توسط اعراب مسلمان و رد آن در این اثر است که با

عنایت به حوادث و رویدادهائی که مسلمان نماها از خود در پهنه فرهنگی ایران به جا گذاشتند قطعیت رد را زیر سوال خواهد برد. در ادامه نقد روایت های حضور حسنین(ع) در فتح ایران آمده با توضیح راوی در خصوص عدم صحت این ادعا با رجوع به منابع علت طرح آن در این اثر پرسش برانگیز است.

بار دیگر در صفحه ۱۳۵ به دارالخلافه مدینه و نحوه قتل خلیفه و شیوه انتخاب جانشین وی مطالبی به نقل از دیگر منابع تحریر گردیده است.

این روند را تا حادثه خونین عاشورا و محرم سال ۶۱ هجری ادامه داده، یکی از مواضع کم رنگ این اثر پردازشی نارسا از اختلاف دختر پیامبر با خلیفه اول در موضوع ارثیه ی مصادره شده توسط حاکمیت وقت است که در این مطلب باید خواستگاه های توحیدی و الهی مدنظر خاندان وحی به بحث گذاشته می شد که در اینجا بیشتر اختلاف حقوقی مدنظر قرار گرفته است.